

چگونگی و جایگاه تشویق و تنبیه (کودک) از دیدگاه اخلاق اسلامی متناسب با شرایط جامعه

حسین جلائی نوبری^۱، داود داداش زاده^۲

^۱ دانشیار و هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز-ایران، عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف

اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور (نویسنده مسئول)

^۲ مدرس دانشگاه و حوزه علمیه

چکیده

بحث تشویق و تنبیه از مباحث تربیتی و اخلاقی است که یکی از مهم ترین و پرکاربرد ترین شیوه های تربیتی در اخلاق اسلامی است که والدین و مربیان در برخورد با رفتار و اعمال کودکان از آن ها استفاده می کنند. سوالی که ذهن آدمی را به خود مشغول می کند این است که شیوه ی استفاده صحیح و راهکار مناسب برای استفاده از این دو شیوه ی تربیتی کدامند و مهم تر از همه این که آثار این شیوه های تربیتی در زندگی کودک چه می تواند باشد. این تحقیق از نظر هدف و روش به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و روش گرد آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است و تشویق و تنبیه لازمه تربیت کودکان می باشد که در به کار بستن آن دو باید شرایطی از جمله: باید به موقع باشد و به اندازه باشند و متناسب با درک و فهم فرد باشند و.... رعایت شود تا بهترین نتیجه را داشته باشند.

واژه های کلیدی: تربیت، تشویق، تنبیه، اخلاق اسلامی

مقدمه

تشویق و تنبیه از مباحث تربیتی و اخلاقی است تشویق یک تمایل فطری است و تنبیه یک عامل بازدارنده می باشد و در صورت استفاده صحیح، به جا و به اندازه موجب اصلاح رفتار کودک می شود. از نظر هدف، این تحقیق یک تحقیق کاربردی می باشد و روش آن، شیوه توصیفی است و اطلاعات لازم برای این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای گرد آوری شده است و سعی شده تا برخی از آداب و راهکارها، برای استفاده از این دو روش تربیتی مورد بررسی قرار گیرد. باید تشویق و تنبیه به کار و رفتار تعلق بگیرد نه به شخصیت و به تناسب بین عمل و روحیه و کار و کردار و سن کودک دقت شود. لذا این تحقیق در صدد بیان این مطلب است که چه راهکارهایی برای استفاده درست از این دو ابزار وجود دارد. اهمیت و ضرورت این تحقیق در این است که، تشویق و تنبیه از مهم ترین روش های تربیتی می باشند که هرگونه ناشی گری و زیاده روی در استفاده از آن ها پیامدهای وخیمی در زندگی کودک به جا می گذارد. از آن جایی که در جامعه امروزی، اغلب والدین و مربیان از تشویق و تنبیه در تربیت کودکان استفاده می کنند پس لازم است آگاهی بخشی صورت گیرد، اصول و روش و ضوابط استفاده از آن ها به جامعه شناسانده شود و با این آگاهی بخشی و معرفت دادن، شاهد تربیت صحیح و ثبات شخصیت در کودکان جامعه باشیم. در آثار مکتوب یونان باستان و کتاب های ادیان گذشته علاوه بر اصل تشویق و تنبیه، بر نوع و کیفیت آن هم اشاره شده است. امروزه نیز بزرگان زیادی چون علی قائمی و رضا فرهادیان در کتابهای متعدد تربیتی خود شان و منصور فرقانی در مبانی فقهی و حقوقی جرایم و تادیب کودکان و ... تالیفاتی داشته اند که البته کم تر جنبه استدلالی و تحقیق مستقل دارند. سوال اصلی که در این تحقیق با آن روبه رو هستیم این است که: راهکارها و شرایط تشویق و تنبیه در از نظر اخلاق اسلامی در جامعه امروزی چیست؟ و چون این یک سوال کلی است پس ناچاریم آن را به سوال های جزئی تری تبدیل کنم تا بتوانیم در مورد آن ها بهتر و مفصل تر سخن بگویم که شامل موارد زیر می شود:

- ۱- برای استفاده از تشویق چه راهکارهای وجود دارد؟
- ۲- برای استفاده از تنبیه چه راهکارهای وجود دارد
- ۳- چه شرایطی برای استفاده از تشویق و تنبیه باید وجود داشته باشد؟

۱: سیری در مفهوم شناسی تربیت و تشویق و تنبیه

تربیت اساسی ترین و ضروری ترین نیاز انسان و از ارکان مهم سعادت بشر است که بنای آن از خانواده شروع و در جامعه و مدرسه تکمیل می شود و کودک این موجود فرشته گونه موضوع تربیت، و امانتی از خدا در دست والدین می باشد. برای تربیت، نظر لغوی و اصطلاحی تعریف های متعددی آمده است از جمله:

تعریف لغوی: تربیت از نظر لغت شناسی مصدر باب تفعیل از ریشه «رب» یا «ربو» می باشد.^۱

راغب اصفهانی تربیت را از «ربو» می داند و می نویسد: گفته اند «اصلش از مضاعف یعنی «رب» است به این صورت که یک حرف مضاعف حرف «باء» برای تخفیف به «یاء» تبدیل شده است.^۲

۱- محمدبن مکرّم (ابن منظور)، لسان العرب، ج ۵، ص ۹۱.

۲- حسین بن محمد فضل (راغب اصفهانی)، مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۳۶.

صاحب کتاب التحقيق فی کلمات القرآن کریم می نویسد که : « اکثر اهل لغت واژه تربیت را از ریشه «ربب» و یا «ربو» می دانند ، تربیت از ریشه «ربب» عبارت است از : سوق دادن شئء مورد تربیت به سوی کمال مطلوب و رفع نقایص و کاستی های آن . ابتدا با تحلیه، به معنای گنجاندن هر آن چه که به استکمال متری کمک می کند و تربیت از ماده ی «ربو» به معنای رشد تدریجی و تغییر کمی و کیفی متری است و به نظر او فرایند تربیت در ابعاد مختلف اعتقادی ، اخلاقی ، آداب فردی ، اجتماعی ، علوم رایج و امثال آن کار برد دارد. با توجه به تعریف های فوق می توان گفت : تربیت به معنای رشد و پرورش دادن کسی یا چیزی می باشد.^۳

تعریف اصطلاحی : دانشمندان اسلامی با نظر به معنای لغوی تربیت ، معانی گوناگونی از آن ارایه داده اند، از جمله : «تربیت به معنای پرورش دادن استعداد های درونی ای که بالقوه در یک شی موجود است می باشد یعنی آن توانایی های بالقوه را به فعلیت برساند.^۴

اسلام تا جایی به تربیت اهمیت داده است که محور دعوت پیامبران را عموماً و پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد (ص) را خصوصاً تربیت و تکمیل فضایل اخلاقی قرار داده است .هدف از تربیت در دیدگاه اسلام ، نایل شدن فرد به جایگاهی که ارزنده و گران قدر و قیمت است ، جایگاهی که کمال مطلق است و از آن به قرب الهی تعبیر می شود .

تعریف تشویق : تشویق در لغت واژه ی عربی است از باب «تفعیل» و ماده ی «شوق» ، در لغت عربی چنین آمده است که : « الشوق : نزاع النفس الی الشی ؛ کشاندن آدمی به سوی امری»^۵ و در فرهنگ سخن به معنایی انجام دادن عملی یا گفتن حرفی که باعث شوق ، دل گرمی و رغبت بخشی در کسی برای انجام کاری است.^۶

تعریف تنبیه : تنبیه از نظر لغت واژه ی عربی از باب تفعیل و از ماده ی «نبه» است در لغت عربی چنین آمده است : «نبه : القیام و الا ننباه من النوم انتبه من نومه ،استيقظ و التنبیه مثله ؛ برخاستن و بیدار شدن از خواب ، بیدار شدن از خواب غفلت ، تنبیه هم مانند نبه است ؛ یعنی تنبیه هم از این ماده هاست و به معنای بیدار شدن از خواب غفلت است»^۷.

راغب اصفهانی نیز چنین می گوید : « بیدار کردن و هشیار کردن شخص خوابیده ، آگاه کردن به چیزی که گمان می رود او امری را فراموش کرده ، آگاه کردن کسی از گمراهی و فراموشی که به خاطر غفلت پیش آمده است»^۸. در فرهنگ فارسی تنبیه به معنای : آگاه کردن، بیدار کردن ، هشیار کردن ، مجازات به قصد اصلاح و تربیت می باشد.^۹ در اصطلاح تنبیه ، به عملی گفته می شود که لازمه آن هشیار و آگاه کردن است.

۳- حسن مصطفوی ، التحقيق فی کلمات القرآن ، ج ۴ ، ص ۱۸.

۴- مرتضی مطهری ، تعلیم و تربیت در اسلام ، ص ۶ / لطیف راشدی ، کودک و تربیت اسلامی، ص ۱۳.

۱- سعید خوری شرتوتی ، اقرب الموارد، ج ۱، صص ۶۲۱ / محمد بن مکرم ، لسان العرب ، ج ۷ ، ص ۱۶۳.

۲- حسن انوری ، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ص ۱۷۵۳.

۳- محمد بن مکرم (ابن منظور) ، لسان العرب ، ج ۱۳ ، ص ۱۸۱ / سعید خوری شرتوتی ، اقرب الموارد ، ماده نبه .

۴- حسین بن محمد راغب اصفهانی ، معجم مفردات الفاظ قرآن ، صص ۱۸۲-۱۸۱.

۵- علی اکبر دهخدا ، لغت نامه دهخدا ، ص ۲۹۵ / حسن عمید ، فرهنگ عمید ، ص ۴۲۴ / محمد معین ، فرهنگ فارسی ، ص ۱۰۱۵.

۲. آداب و راهکارهای تشویق

تشویق مانند هر امر دیگر هنگامی نتیجه بخش است که براساس آداب و راهکارهای درست به کار رود. با توجه به این که کودکان امروزی، انواع و اقسام وسایل ارتباطی را در اختیار دارند و باهوش و کنجکاو و محاسبه گر هستند و همه چیز را دقیق می بینند. کوچکترین بی توجهی و ناشی گری در امر تشویق نه تنها اثر تربیتی نخواهد داشت، بلکه شخصیت فرد را تخریب خواهد کرد. در اینجا برخی از آداب و راهکارهایی که برای استفاده بهینه از تشویق بیان می کنیم:

۲-۱. تشویق به موقع

با توجه به این که طبیعت کودک طوری است که اغلب در زمان حال زندگی می کند، اگر به خاطر رفتار مطلوب و مثبت یا کار شایسته مستحق تشویق شود باید فوری و به سرعت مورد تشویق قرار گیرد. زیرا فاصله افتادن بین عمل نیک و تشویق کودک را از شور و شوق می اندازد و بعدها آن اثر تحریک بخشی و کارایی مثبت را ندارد و کودک را به تکرار آن وادار نخواهد کرد: کودک معیار و هنجار مستدل برای سنجش پیشرفت خود را در اختیار نخواهد داشت.

براساس دیدگاه اسلامی ضروری است مزد کار هر فرد در پایان کار به او بدهیم تا خستگی از تنش زایل شود. بنابراین امر تحسین و تشویق کودک را نباید به بعد موکول کرد بخصوص زمانی که کودک با اصرار زیادی بر مشکل فایق آمده باشد و یا خواستار اصلاح وضع خویش است.^۱ در سیره ائمه معصومین (ع) همواره این اصل رعایت شده است.

۲-۲. مقتضای درک و فهم

در ابراز محبت و تشویق کودکان باید از کلمات و لغاتی استفاده کرد که کودک آن را دریابد و اگر مناسب آن برای او رتبه و مقامی قائل شوند باید از نوعی باشد که کودک آن را بفهمد و تصویری از آن برای خود داشته باشد و آن را در یابد، نه چنان باشد که کودک در آن معطل بماند.^۲ حضرت علی (ع) فرموده اند: «أَكْبَرُ الْحَقِّ الْإِعْرَاقُ فِي الْمَدْحِ؛ بزرگترین حماقت اغراق در تشویق اشخاص است.»^۳ لایممه ی کودکان به یک میزان نمی فهمند و هوش آن ها به یک میزان نیست به همین نظر موضع گیری ها در اقبال کودکان به یک گونه نمی تواند باشد ممکن است تشویقی برای یک کودک اقناع کننده باشد و برای کودک دیگر که هم سن اوست و از هوش برتری برخوردار است اهانت و تحقیر به حساب آید.^۴

۱- داوود حسینی، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام، صص ۵۸-۵۹.

۲- علی قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، ص ۱۸۷.

۳- علی قائمی، نقش مادر در تربیت کودک، ص ۱۶۳.

۴- عبد الواحد تمیمی آمدی، عبد الواحد غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۸۲.

۱- علی قائمی، خانواده و مسائل مدرسه ای کودکان، ص ۲۹۵.

۳-۲. آشکار بودن دلیل تشویق

هنگامی که کودکی مورد تشویق قرار می گیرد باید خود کودک و کسان دیگری که شاهد تشویق او هستند دلیل تشویق را بدانند. زیرا مقصود از تشویق هدایت و جهت دهی کودک به تکرار عمل و ادامه آن است. پس باید علت تشویق کودک معلوم باشد تا او بداند تشویق او به خاطر فلان عمل اوست و مطوئن باشد که با ترک عمل و رفتار تشویق هم قطع خواهد شد.^{۱۵}

تشویق باید از تایید درونی کودک برخوردار باشد و کودک خود را مستحق و سزاوار آن ببیند اگر کودک نداند برای چه کاری تشویق شده به دو مشکل بر می خورد. اول این که نمی داند کدام کارش مطلوب بوده است که باید آن را تکرار کند. دوم اینکه پاداشی که دریافت کرده تایید درونی او را بر نمی انگیزد و خود را سزاوار دریافت پاداش نمی بیند.^{۱۶} قرآن کریم همواره دلیل اعطای پاداش به اشخاص را بیان می فرماید: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّوَاءَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ جَنَّاتٌ.....سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ؛ آن ها به دلیل ذات پاک پروردگارشان شکیبایی می کنند و نماز بر پا می دارند و از آن چه به ایشان روزی دادیم، در پنهان و آشکار انفاق می کنند و با نیکی ها، بدی ها را از میان می برند، پایان نیک سرای دیگر از آن، آن ها است. باغ هایی جاودان که وارد بهشتی که وارد آن می شوند و فرشتگان از هر دری به آن ها وارد می شوند و سلام می گویند: سلام بر شما به خاطر بردباری و پایداری تان چه نیکو است سرانجام سرای جاویدان!»^{۱۷} خداوند در این آیه ها، دلیل اعطای پاداش های بزرگ را صبر در راه خدا، بر پا داشتن نماز، انفاق آشکار و پنهان در راه خدا، زدودن بدی ها به وسیله خوبی، معرفی می کند.

۴-۲. متناسب بودن تشویق

تشویق باید به جا و متناسب با میزان و نوع کار و سن کودک باشد و شکل آن - تشویق کلامی - غیر کلامی باید با روحیه و شرایط شخص هنگام گزینش توجه شود. اگر پاداش مادی است باید به گونه ای باشد که کودک بتواند از آن بهره مند گردد. برای نمونه اگر بخواهیم برای کودکی که نتوانسته بر خود تسلط یابد و مقررات رفتاری و کنترل های اجتماعی را بپذیرد، پاداش مادی در نظر بگیریم. خرید چیز قیمتی مثل دایرالمعارف برای او خطا است، زیرا کودک از این جایزه سودی نمی برد و نمی تواند از آن استفاده کند؛^{۱۸} بلکه باید متناسب سن او برای او تشویق و پاداش در نظر بگیریم.

در هر سنی خواسته های کودک فرق می کند و طبعاً نوع پاداش و جوایز نیز فرق می کند. تشویق کودک خردسال به صورت بغل کردن و بوسیدن و نوازش و محبت کردن و از نوع لذات کامی می باشد. که در آموزه های دین اسلام با این نکته توجه زیادی شده است. حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند: «كَثُرُوا مِنْ قَبْلِهِ أَوْلَادَكُمْ بِكُلِّ قَبْلِهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ؛ کودکان خود را بیشتر ببوسید؛ زیرا با هر بوسه ای برای شما درجه ای در بهشت، فراهم می شود»^{۱۹}.

۲- علی قائمی، همان، ص ۳۰۶.

۳- داوود حسینی، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام، ص ۶۱.

۴- رعد / ۲۴-۲۲.

۱- داوود حسینی، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام، ص ۵۷.

۲- محسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۲، ص ۶۴.

این در حالی است که شاید برای کودک ی که کمی بزرگ تر شده ، این امر (بوسیدن و بغل کردن و ...) چندان مورد پسند نباشد و یا تحسین کودک در تنهایی به عنوان تشویق او ، کودک را اقناع خواهد کرد در حالی که این امر برای کودک بزرگ تر قانع کننده نیست و او دوست دارد در جمع مورد تایید قرار بگیرد و باید ذوق اجتماعی و شخصیتی او اقناع گردد . مثلاً او را به عنوان فردی مهم برای جامعه همسن خود معرفی نمایند خردسالان خواستار زرق و برق و زیبایی ظاهرند در حالی که برای کودکان بزرگ مسئله به صورت عمیق دارای اهمیت است و خرد سالان در فضای فیزیکی زندگی می کنند و بزرگ تر ها در فضای ادراکی. پسران به وسایل مکانیکی و ابزار متحرک بیشتر راغب تر هستند در حالی که دختران به ظرافت کاری و زیبا کاری ، جایزه برای پسران مثلاً یک کامیون یا دوچرخه و موتورپلاستیکی و برای دختران جایزه ار نوع سنجاق یا روبان سر ، گل سینه و ... بهتر است.^{۲۱}

۵-۲. تشویق و پاداش بدون اطلاع قبلی

تشویق و پاداش را همیشه بدون اطلاع قبلی به کودک بدهیم یعنی به او نگوئیم و با او شرط نکنیم که اگر فلان کار را انجام دهد پاداش دریافت می کند بلکه باید کودک را از راه دیگری به انجام کار شایسته هدایت کنیم و سپس اگر دیدیم او عکس العمل مطلوبی از خود نشان داد. پاداش و تشویق مانع و اشکالی پیش نمی آورد.^{۲۲} و این گونه تشویق ، به عنوان اصل در تشویق و تمجید افراد از دیدگاه اسلام می باشد .

قوانین اخلاقی و ادبی اسلام دستور می دهد که همه مسلمان موظف هستند که در برابر هر عمل و رفتار نیکی که دیگران انجام می دهند باید طوری از انجام دهنده ی آن اظهار تشکر نمایند که کم ترین مرحله ی آن تشکر لفظی است . مهم تر این که اگر به ندرت و غیره منتظره و به کودک جایزه داده شود نمانگر قدر دانی از کار و رفتار اوست و می تواند برای کودک مؤثر واقع شود و موجب شادی آفرینی او شود.^{۲۳} هر چند جایزه بزرگ و گران نباشد . زیرا آنچه مهم است نفس تشویق است که بر حس ارزش مندی کودک می افزاید.

۶-۲. تشویق وسیله و ابزار نه هدف

از تشویق باید به عنوان کمک انگیزه و وسیله ی برانگیختن در انجام کار های شایسته استفاده شود . نه « اصل انگیزه » یعنی این طور نباشد که خود تشویق به صورت هدف در آید و همه ی فکر کودک را به خود سرگرم سازد و کودک به تشویق و تمجید وابسته گردد، که اگر تشویق باشد کارها ی شایسته انجام دهد و اگر نبود یا کم تر بود دست از امور پسندیده بردارد و پیشرفت خود را متوقف کند ؛ که در این صورت نقش بازدرنده پیدا می کند و سبب به فراموشی سپردن هدف اصلی می شود.^{۲۴}

۳- زهرا معتمدی ، رفتار با کودک ، ص ۵۶ / زهرا پورنقشبند ، اطاعت و حرف شنوی در کودک ، ص ۷۶.

۴- علی قائمی ، خانواده و مسایل مدرسه ای کودکان ، ص ۲۹۴.

۱- خلیل خلیلیان ، با دنیای کودک آشنا شویم ، صص ۱۳۷-۱۳۶.

۲- زهرا معتمدی ، رفتار با کودک ، ص ۵۰ .

۳- علی اکبر مظاهری ، هشدارهای تربیتی ، صص ۸۸-۸۷ / داوود حسینی ، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام ، صص ۶۱-۶۰.

بنابراین کودک تربیتش باید به گونه ای باشد که کارهای نیک را به طور خود جوش و به عنوان «انجام وظیفه» دنبال کند و صفات شایسته را بروز دهد، نه به عنوان «عرضه کالا در برابر پاداش!» باید تشویق را وسیله و ابزاری ببیند برای رسیدن به هدف و پیمودن راه کمال و رشد. همان گونه که قرآن کریم تشویق های مادی و معنوی فراوانی را برای ترغیب مؤمنان و شایستگان بیان می فرماید، ولی همه ی آن ها را وسیله ای برای رسیدن به هدف بالاتر تا رضوان الهی می داند. «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِينٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛ خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ های از بهشت وعده داده که نهر ها از زیر درختانش جاری است، در آن جاودانه خواهند ماند و خانه های پاکیزه ای در بهشت های جاویدان (نصیب آن ها می سازد) و خشنودی خداوند از همه ی این ها برتر است و پیروزی، همین است «^{۲۵} آنچه از این آیه شریفه فهمیده می شود این است که تلاش انسان باید رسیدن تا رضوان الهی باشد و نعمت های بهشتی را وسیله ی ترغیب به انجام کردار نیک و شایسته بداند.

۲-۷. تشویق به کردار نیک نه شخصیت کودک

تشویق باید به کار نیک کودک تعلق بگیرد و به شخصیت او ربطی نداشته باشد. کودکان دوست دارند به خاطر همان چیزی که هستند صرف نظر از آن چه می توانند انجام دهند، مورد تشویق و پذیرش قرار گیرند پس باید در تشویق و تمجید دقت شود و مثل دارو به موقع و به اندازه صرف شود و بهترین دستور العمل این است که متوجه رفتار و کردار نیک او باشد نه شخصیت او.

اگر از شخصیت کودک تشویق و تمجید شود ممکن است این اظهار نظر ها کودک را بیشتر نگران کند و شاید تعریفی که از او شده با آنچه که هست فاصله داشته باشد او نتواند از این برجسب پیروی کند.^{۲۶} و به جای این که با هول و هراس انتظار بکشد که این فاصله فاش نشود با بد رفتار واقعیت را نشان بدهد و شاید هم پیش خود فکر کند که این ها نمی فهمند و این طوری از من تمجید می کنند.

قرآن کریم در تشویق به این ویژگی ها توجه کرده است به همین دلیل هنگامی که خداوند برای تشویق پیامبران می گوید، ویژگی های پسندیده آن ها را بیان می کند.

«وَ ذَكَرَ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا»^{۲۷}

خداوند ابراهیم (ع) را شایسته یادآوری می داند و دلیل آن را ویژگی نیک ابراهیم (ع) یعنی راستگویی بر می شمارد.

«وَ ذَكَرَ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلِصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»^{۲۸}

در این آیه خداوند موسی (ع) را به دلیل مخلص بودن شایسته یادآوری می داند.

۱- توبه / ۷۲.

۲- زهرا پور نقشبند، اطاعت و حرف شنوی در کودک، ص ۸۰.

۳- مریم / ۴۱.

۱- مریم / ۵۱.

۸-۲. تشویق درونی

شیوه تشویق باید به گونه ای باشد که خواستاری تشویق برقلب و فکر کودک مسلط نشود و او را از انجام وظیفه باز ندارد و به اصطلاح روانشناسان، تشویق او باید جنبه روانی داشته و رضای خاطر او را از درون اقناع کند. پس باید به کودک فهماند که پاداش انجام کار نیک قدردانی دیگران نیست، بلکه رضای خداوند و رضای وجدان بهترین پاداش است. درست است که کودک به تشویق نیاز دارد و در محیط تشویق و تمجید از فکری و شعور اجتماعی رشد بهتری می نماید. ولی کودکی که به پاداش عادت کرده در مقابل هر خدمت و کوششی انتظار تشویق و تقدیر دارد و در بعضی از مواقع مغرور می شود و یا دوچار ریا می شود و همه کارهایش را برای توجه و تشویق دیگران انجام می دهد.^{۲۹}

کودک باید یاد بگیرد که کار نیک را به عنوان وظیفه اجتماعی انجام دهد بدون چشم داشت از دیگری، همان گونه که انبیاء و ائمه معصومین (ع) کارهای نیک را به خاطر خداوند انجام می دادند و چشم داشتی از دیگران نداشتند. حضرت رسول اکرم (ص) فرموده اند: «اللهم اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ؛ خدایا! ما را از کسانی قرار بده که پیوسته به امر تو سرگرم اند».^{۳۰} بنابراین باید پاداش درونی را در کودک پرورش داد تا در سنین نوجوانی نیروی طبیعی اش بر اثر عدم تشویق فرو نشیند و از کارهای خلاقانه ای که مستلزم تمرکز فکری و اعتماد به نفس است باز نماند و کودک خود جوش به انجام کار مفید راضی شود و این رضایت خاطر، انرژی لازم را برای ادامه رفتار، در او ایجاد کند.

۳. آداب و راهکارهای تنبیه

تنبیه و تادیب هنگامی بیدارگر و اصلاح کننده است که براساس آداب درست اجرا شود و از همه مهمتر آن که با شناسایی ریشه های کجی و نادرستی، همه تلاش ها برای نابودی آن به کار رود، با توجه به این که در جامعه امروزی کودکان باهوش تر و کنجکاوترند و امکانات و وسایل ارتباطی بیشتر در اختیار دارند و متأسفانه اغلب کم طاقت اند و زود عصبانی می شوند و پرخاشگرند. برخی از راهکارهایی که برای تنبیه کودکان اعمال می شود عبارتند از:

۱-۳. داشتن استحقاق

نخست باید ببینیم آیا کودک استحقاق تنبیه را دارد یا نه؟ استحقاق کدام یک از انواع تنبیه را دارد؟ کتک زدن؟ محروم ساختن؟ سرزنش و ملامت شنیدن؟ و... این سخن را بدان سبب ذکر می کنیم که در اغلب موارد کودک مستحق تنبیه نیست؟ مثلاً طفلی که در اثر بی توجهی نه عمداً ظرفی را شکسته مستحق تنبیه نیست، چون نمونه این بی احتیاطی ها را خودمان هم داریم و همان گونه که خود را مورد سرزنش و ملامت قرار نمی دهیم کودک را نیز نباید سرزنش کنیم.^{۳۱}

۲- علی مظاهری، هشدارهای تربیتی، ص ۸۸.

۳- محمد بن محمد شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۵۴.

۱- علی قائمی، نقش مادر در تربیت، ص ۱۷۹.

۲-۳. توجه به سن کودک

موقع تنبیه کودک باید به سن و سال کودک توجه کنیم، کودکی که مورد تنبیه قرار می گیرد در شرایط مختلف سنی وضع حال مختلفی دارد و همیشه نمی توان برنامه واحدی را درباره افراد پیاده کرد. کودکان خردسال در برابر تنبیه احساس بی پناهی می کنند و این موجب وارد آمدن صدمه ی روانی بر کودک می شود. همچنین درجه ی تحمل درد و مقاومت در کودکان مختلف یکسان نیست. به طفل خردسال نمی توان سیلی زد و کودک کم سن و سال تحمل ضربه را ندارد.^{۳۲} باید آن ها را تادیب کرد.

امام صادق (ع) در باره تادیب کودکان به دست حضرت علی (ع) چنین می فرماید: «آن حضرت با شلاق و نصف شلاق و بخشی از شلاق حد را جاری می کردند. حتی هنگامی که پس بچه یا دختر بچه غیر ممیز را نزد او شلاق می زدند، اجرای تنبیه (تادیب) را تعطیل نمی فرمودند بلکه با دست خود میانه یا یک سوم شلاق را می گرفت و به تناسب سن، آن ها را می زدند»^{۳۳}. از این حدیث نتیجه می گیریم که باید در شلاق زدن کودک به سن کودک آن ها توجه کرد، به گونه ای که به تناسب سن آن ها شیوه زدن (تنبیه) فرق کند. همان گونه که حضرت دست گرفتن شلاق را متناسب می نمود.

۳-۳. تناسب تنبیه با عمل

تنبیه کودک باید متناسب با عمل خلاف و خطای کودک باشد. یعنی سنگین تر یا سبک تر از خطای کودک نباشد و کودک را متوجه خطایش کند. باید بین حد گناه و عقوبت نسبتی را در نظر گرفت همان گونه که در اسلام در اجرای حدود و دیات این نسبت وجود دارد. قرآن کریم می فرماید: «جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا»^{۳۴} و در آیه دیگر می فرماید: «النَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنُ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفُ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنُ بِالْأُذُنِ وَ...»... نفس را به نفس، چشم را به چشم قصاص کنید بینی را به بینی، گوش را به گوش و...^{۳۵} پیامبر اکرم (ص) درباره ی فردی که از نافرمانی خانواده اش شکایت کرد بعد از امر به عفو و بخشش فرمودند: «فَعَاقِبَ بِقَدْرِ الذَّنْبِ»^{۳۶}.

باید مجازات متناسب با خطا باشد تا حس عدالت خواهی را در طفل تقویت کند. باید ترس از استحقاق مجازات باشد نه خود مجازات، یعنی شرمندگی و خجالت باشد نه ترس؛ والا سعی می کند از تنبیه فرار کند و اگر باز هم با همه تدابیر به دام افتد، کینه ی مربی را به دل می گیرد و به انتظار انتقام خواهد نشست. زیرا معتقد است که مستحق تنبیه نبوده است و این را ظلمی می داند که از طرف آدم قوی تر به تحمیل شده است پس در پنهان ناسزا می گوید. اما اگر ترس از استحقاق باشد، به او این توانایی را می دهد که در مقابل هوی و هوس مقاومت کند.^{۳۷} به طور کلی کودکان آن زمان قاعده ای را می پذیرند و درونی می کنند که شدت تنبیه به اندازه ای باشد که آن ها را وادار به موافقت کند و خیلی شدید نباشد.

۲- علی قائمی، خانواده و مسائلی مدرسه ای کودکان، صص ۳۳۴-۳۳۳.

۳- محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۰۸.

۱- شوری / ۴۰.

۲- مائده / ۴۵.

۳- حافظ نورالدین الهیثمی، منبع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۸، ص ۱۰۶.

۴- زهرا پورنقشبند، اطاعت و حرف شنوی در کودک، صص ۸۱-۸۰ / علی اکبر سیف، روانشناسی پرورشی، ص ۳۶.

۴-۳. تنبیه به رفتار نه به شخصیت

هدف ما از تنبیه کودک آن است که که کودک از بدی، دور شود، بنابراین شخصیت انسانی او نباید مورد اهانت قرار گیرد و خرد شود. هنگام تنبیه کودک خطا کار باید رفتار و کار زشت او مورد نکوهش و سرزنش قرار گیرد نه شخصیت او، مثلاً اگر کودک کار ناشایستی انجام داده، به او بگوییم این کار تو بد بود، نه این که بگوییم: تو فرد نادرستی هستی.^{۳۸}

قرآن کریم هنگام سخن گفتن در مورد مجازات و عذاب کافران، کردار ناپسند را نکوهش می کند و به آن دلیل آن ها را سزاوار مجازات می داند. از جمله درباره قوم ثمود می فرماید: «فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ صاعقه قوم ثمود را به خاطر کرداری که انجام می دادند فرا گرفت^{۳۹} در این آیه شریفه، دلیل عذاب قوم ثمود، رفتار بد آن ها یاد شده است حضرت علی (ع) فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعَاصِيهِ زِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنْ نِئْمَتِهِ»؛ همانا خداوند، کیفر را بر معاصی خود قرارداده است تا بنده گانش را از عذابش باز دارد.^{۴۰}

۵-۳. تنبیه به موقع و فوری

تنبیه کودک باید به موقع و فوری باشد تا تاثیر مشخص و مفیدی داشته باشد و یعنی درست همان موقع که از کودک عمل ناشایستی سرزده، بلافاصله گوش مالی معقولی درباره اش اجرا شود به این جهت که کودک بیشتر در زمان حال زندگی می کند اگر فوری پس از انجام عمل زشت، تنبیه شود می تواند رابطه تنبیه را با آن عمل درک کند. اما اگر مدت زیادی فاصله بیفتد کودک رفتار زشت و نادرست خود را فراموش می کند و نیازی به اصلاح آن احساس نمی کند و عمل خلاف را با تنبیه تداعی نمی کند و در نتیجه ارزش و تاثیر کلی تنبیه به کلی از بین می رود.^{۴۱}

۶-۳. توجه به تفاوت های فردی کودکان

کودکان، از نظر فهم و عمل و استعداد و روحیه و رشد عاطفی و روانی و هوشی توانایی های گوناگونی دارند. بنابراین والدین و مربیان در رویارویی با خطاهای او باید چیزی بگویند که متناسب فهم او باشد و چیزی بخواهند که از توان وی بیرون نباشد. هم چنین تنبیهی برای او در نظر بگیرند که توانایی تحمل آن را داشته و متناسب ب روحیه ی کودک و میزان حساسیتش باشد. مثلاً تنبیهی که برای کودکی جسور و عصبانی در نظر گرفته می شود باید با تنبیهی که در مورد کودک حساس و زود رنج انتخاب می شود تفاوت داشته باشد. در مورد کودکان عصبانی و جسور لازم است رفتار شدیدی در پیش بگیرند.^{۴۲} کودکانی که شدیداً وابسته و ناز پرورده اند در تنبیه درد شدیدی را متحمل می شوند و شرایط جسمی و روحی و

۱- داوود حسینی،، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام، ص ۱۰۴.

۲- فصلت / ۱۷.

۳- عزالدین عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۹۸، باب ۳۷۴.

۴- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۲۰؛ خلیل خلیان، همان، ص ۲۹.

۵- شکوه نوایی نژاد، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، ص ۳۸ / زهرا معتمدی، رفتار با کودک، ص ۶۶.

۱- زهرا معتمدی، همان، ص ۶۵.

فکری و خانوادگی هر کدام اقتضائاتی دارد که باید کاملاً رعایت شود و حساب شده تصمیم گیری شود. کودکان با هوش اگر تنبیه شوند بیشتر از کودکان کم هوش صدمه می بینند.^{۴۶} همچنین تنبیه کودکانی که نقص عضو دارند، بسیار ناگوارتر و تلخ تر از کودکان سالم می باشد.

خداوند نیز در قرآن کریم به میزان درک مخاطبان خود سخن گفته و تکلیف کرده است؛ یعنی از مردم همان قدر خواسته که به آنان داده است: «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مِمَّا آتَاهَا»^{۴۷} خداوند کسی را تکلیف نمی کند مگر به میزان آنچه به او داده است.

خداوند پیامبران خود را به پیش گرفتن چنین رفتاری با مردم دستور داده است، چنان که پیامبران همواره با زبان مردم سخن گفته اند. این زبان نه تنها زبان ملفوظ که زبان معقول نیز بوده است. پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «إِنَّا أُمِرْنَا مُعَاشِرِ الْأَنْبِيَاءِ إِنْ نَكَلَّمَ النَّاسَ بِقَدَرِ عَقُولِهِمْ؛ ما پیامبران فرمان یافته ایم که با مردم به اندازه خرد آن ها سخن بگوییم»^{۴۸}.

۳-۷. تنوع در تنبیه

یکنواخت بودن و تکرار تنبیه باعث می شود که کودک به آن عادت کند و این خود امری مضر است بعدها کار به جایی می رسد که دیگر کتک زدن برای کودک دردناک نیست. کودک با آن انس می گیرد و بعضی مواقع کاری می کند که از دست والدین یا مربی تنبیه شود و تن به هر کاری می دهد بدون اینکه از عواقب آن کار بترسد و این خود مایه ی انحراف درونی است و ناسازگارا ناسازگارتر می کند.^{۴۹} پس تنبیه باید به رفتار خاص محدود باشد. باید در تنبیه موقع شناس بود و زمینه ها را خوب سنجید. اگر ملاحظت مفید بود نرمش نشان داد که کودک به اشتباه خود پی ببرد و اصلاح شود و گرنه، به هنگام لزوم باید، شدت عمل نشان دهیم.^{۵۰} از تنبیه به مقدار نیاز استفاده کنیم. که حضرت علی (ع) فرموده اند: «اعْتَزِمَ بِالْشِدَّةِ حِينَ لَا يَغْنَى عَنْكَ إِلَّا الشِدَّةُ»^{۵۱} هرگاه جز تندی و خشونت موثر و مفید واقع نشود روش تند پیش بگیر.

نکته مهمی که از عبارت حضرت استفاده می شود این است که تنبیه از نوع خشونت آخرین راه است چنانکه در روایتی گرانقدر می فرمایند «أَزْجِرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ»^{۵۲} یعنی گناه کار را با پاداش دادن به نیکوکار تادیب کن.

۲- مهرنوش اکبری، نقش تنبیه در تربیت از دیدگاه اسلام، سایت حوزه.

۳- طلاق / ۷.

۴- علی حکیمی اخوان، الحیاء، ج ۱، ص ۱۴۶.

۵- علی قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، ص ۳۱۳.

۶- سید ابراهیم سید علوی، این گونه تربیت کنیم، ص ۲۰.

۱- سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۳۹.

۲- ابن حفیظ سویدی (محمد نور)، منهج التریب للطفل، ص ۳۷۱.

۵۰- سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۷۷.

۸ - ۳. عدالت در تنبیه

تنبیه کودک باید شرافت مندانه و مبتنی بر ضوابط عدالت و تقوا باشد نه مبتنی بر انتقام جویی و تشفی خاطر، یا فرو نشاندن غضب و عقده و ... بلکه همواره باید اصلاح کودک مورد نظر داشت. حضرت علی (ع): عمر بن عبد العزیز را امر کردند تا بر شخصی اجرای حد کند. وی هنگام اجرای حد آن را ترک کرد. علت را از او پرسیدند، در جواب گفت در خود غضبی یافتم. امام علی (ع) فرمودند: سزاوار است معلم کودکان هم اینچنین آن ها را مراعات کند تا ادب آن ها در راه منافع شان کامل شود و معلم نباید در این قضیه، راهی که نفوذ در قلب آن ها نیست انتخاب کند بنابراین تاثیر هم بگذارد ... خارج از عدالت است.^{۵۱}

۹-۳. اکتفا به حداقل

در تنبیه کودک، باید به حداقل آن اکتفا کرد. زیرا هدف از تنبیه آگاهی و اصلاح کودک است. وقتی هدف حاصل شد دیگر تنبیه و سرزنش معنی ندارد. همین طور اگر پس از تنبیه کودک، رفتار او اصلاح شد دیگر نباید خلاف او را به رخ کشید و آن را بهانه ای برای سرزنش او قرار داد.^{۵۲} پس موقع تنبیه کودک هم نباید تنبیه را با خشونت و با حداکثر ظرفیت اعمال کنیم. مخصوصاً اگر کودک برای اولین بار مرتکب خلاف شده است زیرا زمینه را برای احساس بی پناهی کودک و گاهی هم تعدد شخصیت او فراهم می آورد و پیش از آن که سبب هدایت و اصلاح شود عامل بدبختی کودک خواهد شد.^{۵۳}

نتیجه گیری

برای این که از تشویق و تنبیه در تربیت استفاده مطلوب و نتیجه بخش تری داشته باشیم باید از آداب و راهکارهای درست آن استفاده کنیم. مثلاً در تشویق یا تنبیه کودک، دلیل اش را آشکارا بیان کنیم و بلافاصله بعد از رفتار و عمل کودک به تشویق و تنبیه اش بپردازیم. تا کودک مفهوم را دریافت کند. و متناسب با سن و روحیه و میزان عمل کودک باشد. و از افراط و تفریط خوداری کنیم. و تشویق و تنبیه به کار و کردار کودک تعلق بگیرد نه به شخصیت او. تشویق هدف اصلی نباشد بلکه به عنوان ابزار و کمک انگیزه باشد، اگر تشویق مادی است بدون اطلاع باشد و با بزرگ شدن کودک، او را به تشویق درونی سوق بدهیم. و در تنبیه باید عدالت را درباره کودک رعایت کرده و شرایط را بسنجیم و ببینیم کودک مستحق کدام نوع تنبیه است؟ سرزنش؟ قهر؟ و به حداقل در تنبیه اکتفا کنیم.

۳- رضا فرهادیان، آنچه باید والدین بدانند، ص ۸۲.

۴- علی قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، ص ۳۳۶.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم . ترجمه ابوالفضل بهرام پور ، تهران : سبحان ۱۳۸۴ .
- ابراهیمی اقلیدی ، علی ، اصول فرزند داری ، چ ۳ ، تهران : هامون ، ۱۳۹۰ .
- ابن ابی الحدید ، عبدالحمید ، شرح نهج البلاغه ، چ ۱ ، بی جا ، دارالاحیاء الکتب العربیه ، ۱۳۷۸ ه . ق .
- پور نقشبند ، زهرا ، اطاعت و حرف شنوی در کودک ، چ ۱ ، تهران : علامه طباطبائی ، ۱۳۷۳ .
- پیغمبری ، محمد رضا ، والدین آگاه فرزندان دلخواه ، چ ۳ ، کاشان : مرسل ، ۱۳۸۷ .
- تمیمی آمدی ، عبدالواحد ، غررالحکم و دررالکلم ، قم : دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۶۶ .
- حر عاملی ، محمد بن حسن ، وسائل الشیعه ، قم ، آل بیت ۱۴۰۹ ه . ق .
- حسینی ، داوود ، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام ، چ ۱ ، قم : مرکز پژوهش های صدا و سیما ، ۱۳۸۱ .
- حکیمی ، اخوان ، الحیاء ، ترجمه احمد آرام ، چ مکرر ، تهران : فرهنگ اسلامی ، ۱۳۸۰ .
- خلیلیان ، خلیل ، با دنیای کودک آشنا شویم ، چ ۲ ، بی جا فجر بی تا .
- خوری شرتونی ، سعید ، اقرب الموارد ، قم ، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی ، ۱۴۰۳ ه . ق .
- دلشاد طهرانی ، مصطفی ، سیری در تربیت اسلامی ، چ ۳ ، تهران : نشر چاپ گستر ، ۱۳۷۷ .
- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه دهخدا ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۶۴ .
- رشیدپور ، مجید ، چگونه می توان تربیت کرد ، چ ۶ ، تهران : انجمن اولیاء و مربیان ، ۱۳۷۰ .
- سویدی ، ابن حفیظ (محمود نور) ، منهج التربیه للطفل ، بی جا ، بی نا ، بی تا .
- سید رضی ، نهج البلاغه ، قم ، هجرت ، ۱۴۰۴ ه . ق .
- سید رضی ، نهج البلاغه ، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام ، چ ۵ ، تهران : فیض الاسلام ، ۱۳۷۹ .
- سید علوی ، سید ابراهیم ، این گونه تربیت کنیم ، تهران : راه امام ، ۱۳۵۱ .
- سیف ، علی اکبر ، روانشناسی پرورشی ، تهران : آگاه ، ۱۳۷۷ .
- شکوهی ، غلامحسین ، تعلیم و تربیت و مراحل آن ، چ ۳ ، مشهد ، آستان قدس رضوی ، ۱۳۶۵ .
- طباطبائی ، محمد حسین ، تفسیر المیزان ، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی ، چ ۵ ، جامعه مدرسین ، ۱۳۷۴ .
- عمید ، حسن ، فرهنگ عمید ، چ ۲ ، تهران ، امیر کبیر ، ۱۳۷۱ .
- فرهادیان ، رضا ، والدین و مربیان مسئول ، چ ۳ ، قم : بوستان کتاب ، ۱۳۸۷ .
- فضل ، حسین بن محمد (راغب اصفهانی) ، معجم مفردات الفاظ قرآن ، بیروت ، ارالکتب العربی ، بی تا .
- فلسفی ، محمد تقی ، کودک از نظر وراثت و تربیت ، تهران : هئیت نشر معارف اسلامی ، ۱۳۵۳ .
- فیض کاشانی ، محسن ، محجه البیضاء ، چ ۴ ، قم ، اسلامی ، ۱۴۱۷ ه . ق .
- قائمی ، علی ، تربیت و بازسازی کودکان ، چ ۳ ، تهران : امیری ، ۱۳۶۲ .
- قائمی ، علی ، حدود آزادی در تربیت ، چ ۱ ، تهران : انجمن اولیاء و مربیان ، ۱۳۷۹ .
- قائمی ، علی ، خانواده و مسائل مدرسه ای کودکان ، تهران : انجمن اولیا و مربیان ، ۱۳۷۴ .

- قائمی، علی، نقش مادر در تربیت، چ ۸، تهران؛ امیری، ۱۳۷۱.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- مظاهری، علی اکبر، هشدارهای تربیتی، چ ۶، قم؛ هجرت، ۱۳۷۸.
- معتمدی، زهرا، رفتار با کودک، چ ۷، تهران، لک لک، ۱۳۷۶.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم؛ دارالکتب اسلامیه، ۱۳۶۲.
- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نجاتی، حسین، نقش پدر در تربیت، چ ۱، چاپار فرزندگان، ۱۳۷۱.
- نهج البلاغه، ترجمه محمود دشتی، قم: دارالهجره، بی تا.
- نوایی نژاد، شکوه، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، تهران؛ انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۰.
- هیثمی، حافظ نورالدین، منبع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت؛ دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه.ق.

سایت ها

www.hawzeh . net

سایت حوزه نت